

Research Article

The Role of Social Maturity in Pre-emergence

Mohsen Karmi¹, Ali Hossein Ehtashami^{2*}, Seyed Hamid Hosseini³

Abstract

The irreplaceable role of social maturity, which started from the origin of Godhead and a single origin and heritage relations, and with the growth of intellectual and moral responsibilities and empathy in fulfilling the covenant and unity of purpose and attributes and the resulting laws in the path of excellence, happiness and perfection, can be The entitlement to a good life should continue. The advent of the universal judge is the most important apocalyptic event for the liberation of human beings from tyranny, which is associated with one of the most important components of pre-emergence, namely social maturity, and is significantly affected by the causal relationship. Therefore, it is necessary to study it in the context of the emergence of the promised savior. In this study, the evaluation of one of the important components of pre-emerging social maturity from the perspective of the Holy Quran and narrations with an epistemological perspective and descriptive-analytical method using library resources has been considered. The results of the study indicate that there is a significant two-way correlation between the positive component of social maturity and the occurrence of the savior. Thus, growth in adornment with the positive component of social maturity will increasingly accelerate the vulva.

Keywords: Global Justice, Apocalypse, Saviorism

1. PhD student, Quran and Hadith Sciences, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran
2. Assistant Professor, Quran and Hadith Sciences, Tuiserkan Branch, Islamic Azad University, Tuiserkan, Iran
3. Assistant Professor, Quran and Hadith Sciences, Hamadan branch, Islamic Azad University, Hamadan, Iran

Correspondence Author: Ali Hossein Ehtashami

Email: a.h.ehteshami.47@gmail.com

DOI: 10.30495/QSF.2023.1960873.2882

Receive Date: 14.06.2022

Accept Date: 19.01.2023

نقش بلوغ اجتماعی در زمینه سازی پیشاظهار از منظر قرآن کریم

محسن کرمی^۱، علی حسین احتشامی^{۲*}، سید حمید حسینی^۳

چکیده

زمینه سازی پیشاظهار جهت رسیدن جامعه ی انسانی و به حد نصاب بلوغ اجتماعی لازم جهت آمادگی برای ظهور منجی اساسی ترین مباحث مهدویت است. ظهور دادگر جهانی، مهم ترین رخداد آخرالزمان برای رهایی انسان ها از بیدادگری است که با یکی از مهم ترین مؤلفه های پیشاظهار یعنی بلوغ اجتماعی، پیوند یافته است. بنابراین بررسی نقش آن در زمینه سازی ظهور منجی موعود ضرورت می یابد. در این پژوهش ارزیابی یکی از مؤلفه های مهم بلوغ اجتماعی پیشاظهار از دیدگاه قرآن کریم و روایات با نگرش معرفت شناختی و به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای، مورد توجه قرار گرفته است. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر آن است که بین مؤلفه های بلوغ اجتماعی و وقوع ظهور منجی رابطه همبستگی دوسویه و معناداری وجود دارد. بدین سان که رشد یافتگی در آراستن به مؤلفه ایجابی بلوغ اجتماعی بطور فزاینده ای موجبات زمینه سازی پیشاظهار و آماده سازی انسان ها جهت درک روزگار ظهور فراهم خواهد کرد.

واژگان کلیدی: منجی گرایی، زمینه سازی، علل ظهور، بلوغ اجتماعی، پیشاظهار

۱. دانشجوی دکتری، علوم قرآن وحدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

۲. استادیار، علوم قرآن وحدیث، واحد تویسرکان، دانشگاه آزاد اسلامی، تویسرکان، ایران

۳. استادیار، علوم قرآن وحدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

ایمیل: a.h.ehteshami.47@gmail.com

نویسنده مسئول: علی حسین احتشامی

مقدمه و بیان مسئله

منجی‌گرایی یکی از پدیده‌های نوظهور جهانی در سده اخیر است که در پس آشفتگی و اغتشاش حاصل از تمدن جدید، افق آینده بشریت را ترسیم می‌نماید. اگر برآیند تحلیل‌های موجود در مبنای کلامی، فلسفی ظهور و فلسفه تاریخ اسلامی و نیز آموزه‌های برآمده از آیات و روایات گویای این مطلب باشد که آینده تاریخ و تحولات بشری بسته به نحوه عملکرد جامعه انسانی و افراد آن است؛ بحث زمینه‌سازی برای ظهور آینده‌ای روشن برای بشر به صورت جدی مطرح می‌شود. چراکه تحلیل‌ها و آموزه‌های فوق‌الذکر بد یا خوب بودن آینده را نه فقط جبری بلکه به دست خود بشر رقم می‌زند.

بنابراین جهان کنونی بشریت برای زندگی بی‌دردسر و فضایی آکنده از مهر و محبت، صفا و صمیمیت آفریده شده است و تکامل انسان نیز تنها در این جهان برای او ارزشمند خواهد بود نه در عالمی دیگر و از آنجاکه انسان طبیعتاً و فطرتاً کمال خواه و کمال جو است باید زمینه لازم برای رشد و تعالی فردی و اجتماعی و سیر کمالی او در سطح گسترده‌ای در همین دنیا فراهم گردد که با بعثت پیامبران و نزول کتب آسمانی این سیر آغاز (إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا. يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ) (جن: ۱-۲) و با بلوغ اجتماعی جامعه بشریت تا عصر ظهور این خواسته به انجام خواهد رسید. (أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ) (انبیاء: ۱۰۵)

بدهی است؛ جامعه وقتی به رشد و بلوغ اجتماعی می‌رسد که به طور ارادی و از روی آگاهی در مسیر کمالات گام بردارد. (كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةً) (مدثر: ۳۸) بنابراین، فهم چیستی بلوغ اجتماعی و عوامل ایجابی آن که از مقدمات زمینه‌ساز ظهور منجی عالم بشریت است؛ از جمله سوالات مهمی است که در این پژوهش بدان پرداخته می‌شود.

طرفه آن که فراهم ساختن و ایجاد مقدمات و اسباب و علل ظهور، بایستی به گونه‌ای که شرایط برای تحقق ظهور و خارج شدن امام از پرده غیبت، مهیا و هموار باشد تا امام بتواند حرکت خود را آغاز کند و حکومت جهانی‌اش را تحقق بخشد.

با بررسی صورت گرفته در منابع کتابخانه‌ای (فارسی و عربی) و منابع دیجیتال هیچگونه رساله، کتاب و یا مقاله‌ای بطور مستقل در موضوع انتخابی که به رشته تحریر درآمده باشد یافت نشد.

طرح مسئله

کانونی‌ترین و پایه‌ای‌ترین مسئله در زمینه‌سازی پیشاظهار، موضوع بلوغ اجتماعی و قابلیت یافتن بندگان خدا و عموم مردم است. انسان در گذار از مسیر نفس و طبیعت به فراسوی تغییر نفس و تجلی ساحت‌های فطرتش منازل و مراحل را سپری می‌کند. آنچه میزان و کم و کیف منازل و مراحل را تعیین می‌کند، آستانه بلوغ اجتماعی انسان‌هاست؛ یعنی هرچه سطح و آستانه

بلوغ اجتماعی آنان فراتر باشد، سطح و آستانه منازل و مراحل حرکت تاریخی به سوی بارانداز و هدف تاریخ عالی تر می‌شود.

انبیای الهی نیز مردم را در هر دوره به آمادگی و سطحی بالاتر از «قابلیت» اجتماعی و بلوغ اجتماعی ارتقاء داده‌اند تا به افق فرج نزدیک شوند. این اقدام تاریخی انبیا براساس فلسفه بزرگ جهانی و فلسفه انتظار فرج نظام یافته است؛ زیرا حرکت انبیا در چهارچوب هدایت عمومی الهی و برنامه کلی پروردگار متعال رقم خورده و هر حرکتی با توجه به هدف و غایت آن معنا و تفسیر می‌شود و غایت حرکت انبیا براساس برنامه کلی و هدایت ذات ربوبی، فلسفه فرج و گستره عینیت‌بخشی عبودیت در جهان بشریت است. (سهرابی مشتقین، ۱۳۸۹: ۱۱۱)

به نظر می‌رسد بحث از زمینه‌سازی پیشاظهار و سازوکارهای عملی آن، به دلیل اهمیت و تأثیر فراگیر آن، مهم‌ترین اصل در رویکرد به مقوله انتظار و بایسته‌های آن باشد؛ زیرا مهم‌ترین وظیفه دینی و سیاسی پیروان و منتظران ظهور امام عصر (علیه‌السلام) در این زمان، زمینه‌سازی ظهور آن حضرت است. به همین جهت، در عرصه مطالعات مهدوی از کوشش انسان‌ها در فراهم‌سازی مقدمات ظهور حضرت مهدی (علیه‌السلام) به «زمینه‌سازی ظهور» تعبیر می‌شود. بر اساس روایات مهدوی، جامعه منتظر قبل از ظهور، جامعه‌ای است که مهیای ظهور امام عصر (علیه‌السلام) است و مهم‌ترین ویژگی جامعه منتظر قبل از ظهور، «بلوغ اجتماعی» پیشاظهار است. بنابراین تا بندگان خدا و مردم به این غایت نرسند و براساس آرمان بلند ظهور مهدی موعود (علیه‌السلام) تربیت نشوند، بلوغ اجتماعی رقم نمی‌خورد.

مفهوم شناسی بلوغ اجتماعی

۱. بلوغ بر وزن فُعل از ریشه «ب ل غ» به معنای رسیدن و نمو کردن (حسینی‌زبیدی، ۱۴۱۴ق: ۷) و رسیدن به انتهای مقصد، مکان یا زمان یا امری معین. (راغب، ۱۳۷۴: ۱۴۴) شخص بالغ در اثر دگرگونی‌های جسمی و روانی، به رشد جسمی و عقلی کافی رسیده، آماده پذیرش تکالیفی خواهد بود. (ابن‌منظور، ۱۴۱: ۴۱۹)

متون دینی علاوه بر مطرح کردن بلوغ جسمی و جنسی، کمال نهایی انسان را در بلوغ عقلانی معرفی می‌کنند که از هجده تا چهل سالگی اتفاق می‌افتد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۱: ۱۸۷) بر این اساس، بلوغ به معنای رشد و تکامل جسمی، عاطفی، اجتماعی، ذهنی، اخلاقی و عقلی فرد در اثر دگرگونی‌هایی در اندام و احساسات و اندیشه او در یک فرآیند زمانی و تحت شرایط خاص است؛ در نتیجه این بلوغ، فرد به استقلال فهم و تشخیص امور دست می‌یابد و تصمیمات و تفکرات او از روی عقل و به دور از احساسی شدن و هیجانات زودگذر است و کیفیت فکر کردن و رفتار او در قضاوت عقل و افراد عاقل، نتایج موردپسندی را به دست می‌دهد. (حسینی، ۱۳۹۶: ۲۱ - ۴۴)

جامعه نیز مانند یک فرد است. اندیشمندان علوم اجتماعی در تشبیه اندام‌واره‌ای اجتماع، جامعه و روابط اجتماعی انسان‌ها را به موجود زنده و روابط زیستی اعضای بدن آن تشبیه نموده

و معتقدند همان‌طور که بدن انسان از اجزاء، اندام‌های گوناگون و سلول‌های فراوان تشکیل شده است، جامعه نیز از نهادها و مؤسسات گوناگون به وجود می‌آید که هر کدام دارای قسمت‌های متعددی است و هر بخشی از عده‌ای افراد تشکیل شده که هر فرد، حکم یک سلول را در بدن انسان دارد. درحقیقت سازمان‌ها و نهادهای جامعه، مانند سیستم‌ها و دستگاه‌های بدن انسان هستند که هر کدام از این دستگاه‌ها بخشی از فعالیت‌ها و وظایف بدن را بر عهده دارند. (توسلی، ۱۳۸۵: ۲۳۶)

این تشبیه در روایات اسلامی به سه صورت بیان است: گاهی به صورت تشبیه جامعه به بدن انسان؛ گاهی در قالب تشبیه جامعه به کشتی؛ گاهی نیز به صورت تشبیه جامعه به یک ساختمان. (تقی‌زاده‌داوری، ۱۳۹۳: ۸) قرآن کریم نیز در آیات فراوانی، صفاتی را که در افراد متجلی می‌شود، مانند عمر، کتاب، شعور و فهم، عمل، اطاعت و معصیت، برای اجتماع برمی‌شمرد. (طباطبایی، ۱۴۰۱۷ق: ج ۴: ۹۶) از این تشبیه‌ها و تمثیل‌ها در آیات و روایات و نیز دیدگاه اندیشمندان استفاده می‌شود که جامعه مانند یک فرد؛ استعداد، صفات، توانایی‌ها و فعالیت‌هایی دارد. (راین، ۱۳۶۷: ۲۲۳)

بر این اساس، تمایز بلوغ فردی و بلوغ اجتماعی، به تفاوت ساخت فرد و جامعه بازمی‌گردد. مهم‌ترین تمایز میان آن‌ها این است که در ساختار یک جامعه، تمامی امور اعم از تصمیمات، رفتارها، کنش‌ها، قوه‌ها و استعدادها در قالب نهادهای اجتماعی متجلی می‌شوند و نیز تمامی نیازهای افراد، اعم از طبیعی، زیستی، روانی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، ارتباطی و حتی نیازهای کاذب، در بافت و ساختار جامعه و تنها از طریق سازوکارهای نهادی پذیرفته شده از سوی افراد جامعه رفع و رجوع می‌شود. (شرف‌الدین، ۱۳۸۹: ۲۴)

بلوغ اجتماعی، نتیجه دگرگونی در ساختار جامعه و حرکت آن به سمت توسعه و پیشرفت است. در حرکت جامعه به سمت بلوغ و خردگرایی، بر مواردی از جمله: تفکر برپایه منطق و استدلال و پرهیز از پندارگرایی و خیال‌پردازی، خودداری از هر گونه تک‌روی و در پیش گرفتن شیوه جمع‌اندیشی، اعتماد به حاکمیت نگرش علمی در حل مسائل جامعه و اعتقاد به اصل تغییر و نوآوری، تأکید بسیار و توجه جدی می‌شود. (ساعی، ۱۳۸۶: ۱۳۵)

۲. ظهور در لغت، معانی متفاوتی دارد و برخی از معانی آن عبارتند از: تبیین و وضوح، انکشاف و بروز، اعلان و جهر، حدوث و وقوع، دست یافتن به چیزی و اطلاع پیدا کردن از آن، علو، برتری و غلبه و قدرت. پس ظهور؛ آشکار شدن چیز پنهان، پدیدار شدن و هویدایی را گویند.

معنی ظهور در اصطلاح مهدویت: ظاهر شدن حضرت مهدی (عج) پس از پنهان‌زیستی طولانی جهت قیام و برپایی حکومت عدل جهانی است. البته این معنی با معانی دیگر که غلبه و تسلط امام مهدی (عج) بر اوضاع جهان و یا حدوث و وقوع انقلاب جهانی مهدوی است، قابل جمع است. (ورمزیار، ۱۳۹۴: ۲۱)

اصطلاح «زمینه‌ساز» برگرفته از مضمون احادیثی است که در آن‌ها از گروه‌هایی یاد شده که پیش از ظهور حضرت مهدی (عج) بسترها و شرایط لازم را برای قیام آن حضرت فراهم می‌آورند.

این اصطلاح، معادل کلمه «تمهید»، «توطیه» و «اعداد» در عربی است که در فارسی به معنای مقدمه‌چینی، فراهم‌سازی، آماده‌سازی و بسترسازی است؛ چنان‌که کلمات «یَوْطُون» و «لِیَعِدَنَّ» در احادیث به همین معناست. (پورسیدآقایی: ۱۳۸۸: ۶۰)

بنابراین زمینه‌سازی ظهور: یعنی فراهم ساختن و ایجاد مقدمات و اسباب و علل ظهور به‌گونه‌ای که شرایط برای تحقق ظهور و خارج شدن امام از پرده غیبت، مهیا و هموار باشد تا امام بتواند حرکت خود را آغاز و حاکمیت جهانی‌اش را تحقق بخشد. (ره‌نمایی، ۱۳۸۴: ۱۰ - ۲۵)

بنابراین ایجاد استحقاق برای فراهم شدن بزرگترین نعمت، ولایت که ظهور حضرت ولی‌عصر (عج) است، زمینه‌سازی ظهور نامیده می‌شود. (صالح‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۲۵) از این‌روی به نظر می‌رسد که انسان نه‌تنها از امکان زمینه‌سازی برخوردار است، بلکه حتی او در این راستا وظیفه دارد. وظیفه زمینه‌سازی گاهی به عهده هر فرد به تنهایی است و گاهی جامعه وظیفه دارد به ایجاد زمینه‌های ظهور بپردازد. (نظری، ۱۳۹۰، ج: ۲: ۲۶۵)

آنچه در اینجا مورد بررسی قرار گرفته عواملی سه‌گانه‌ای است که جنبه ایجابی دارد و نقش ثانوی در زمینه‌سازی ظهور پیدا می‌کند. و از حیث رتبی مؤخر از عوامل سلبی است. بدیهی است که اعمال این عوامل، پس از تزکیه نفس و پیراستن آن از عوامل سلبی امکان پذیر می‌گردد. این گونه از سلوک رتبی که تزکیه نفس بوسیله ترک گناهان، همواره تقدم بر اعمال نیک دارد؛ در نزد عرفای الهی در باب عرفان نظری به اثبات رسیده است.

تأثیر پذیری بلوغ اجتماعی از لایه‌های درونی فردی

اهتمام به رسالت نجات و سعادت آخرالزمانی ایجاب می‌کند هر کسی مسئولیت تربیت و سازندگی خود را بر عهده گیرد و به سختی تمام بکوشد لحظه‌ای از امر خطیر تربیت خویش غافل نماند و در این راستا هرگز قصور نورزد. این رسالت به قدری مهم و معتبر است که تقریباً همه مکاتب و مذاهبی که در طول تاریخ تا این زمان به ظهور رسیده‌اند ادعا می‌کنند رسالتشان نجات انسان‌هاست.

از دیدگاه قرآن، انسان خدانشناس بدترین جنبه عالم است: {إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ} (انفال: ۵۵) همه پیامبران در نخستین گام از دعوت خویش، مردم را به پرستش خدای یگانه می‌خواندند: {وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ}. (نحل: ۳۶)

خدانشناسی به این معناست که انسان به حقیقتی برسد که درک کند خداوند علت و خالق اوست و او عین نیاز و متعلق به خداوند است. چنانکه در قرآن می‌فرماید: «ای مردم شما همه نیازمند به خدایید، تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایسته هرگونه حمد و ستایش است.» (فاطر: ۱۵)

انسان، غایت برترین آفرینش دیگر مخلوقات و ذات اقدس حق متعال، غایت برترین آفرینش انسان است. از همین روی، انسان مخدوم دیگر مخلوقات قرار گرفته و دیگر اشیا در خدمت و

تسخیر انسان‌اند. راه تکامل دیگر موجودات نیز قرار گرفتن در مسیر خدمت انسان و راه تکامل انسان قدم برداشتن در مسیر طاعت خدا و سراسر تسلیم خدا بودن و برای او سر سپردن است. انسان برای رسیدن به بالاترین درجه انتظار، باید به بررسی لایه‌های درونی خود بپردازد و آلودگی‌ها و تعلقات روحی و درونی خود را بازشناسی و پالایش کند و نیز همواره ضمن امیدواری به اتصال و یگانگی با امام عصر(عج)، خوف جدایی از ولایت را داشته باشد. همچنین باید در بررسی لایه‌های زیرین اعتقاد درونی خود از هرگونه مسامحت و سهل‌انگاری بپرهیزد تا بتواند از راه شهود، بصیرت و درون‌نگری، امام را درون خود بیابد. اندیشه و تمایل انسان، آنگاه به روشنایی معرفت و محبت امام رو می‌کند که او از آرزوهای محقر و دانی و گناه‌آلود روی برتابد. (نجفی، ۱۳۹۰: ش ۶، ۲۱)

منتظر هیچ‌گاه نباید احساس ضعف کند، بلکه باید با قدرت و تحمل سختی‌ها و فشارها به مسیر پیشرفت و عزت خود ادامه دهد و در مقابل زورگویان سر تسلیم فرود نیآورد. بلکه باید به درجه‌ای از بلوغ دینی و بصیرت اسلامی برسد که در برابر ولی خدا، تسلیم کامل باشد و اراده او را بر خواست خود مقدم داشته و فرمان او را عین فرمان حق بداند، مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ. (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۲، ۲۷۷) بنابراین منتظر واقعی در راستای زمینه‌سازی ظهور باید تمرین سلم و تسلیم کند و در برابر آنچه به‌عنوان حکم خدا به او می‌رسد، دلی پذیرا داشته باشد. این رویکرد می‌تواند زمینه‌سازی ظهور را برای پذیرایی از حجت الهی و سر سپردن به اوامر او و همراهی کامل در برپایی انقلاب و نظام الهی در همه جهان آماده‌تر کند. (حائری‌پور، ۱۳۹۰: ج ۲، ۱۹۷)

بایسته‌های ایجابی بلوغ اجتماعی

در عصر زمینه‌سازی پیشاظهار، مردم در تکاپوی رسیدن به معشوق خود، عدالت حقیقی و زندگی سراسر معنوی هستند. از این‌رو در این مسیر می‌کوشند با استفاده از دین و عناصر آن سبک زندگی داشته باشند که در آن تأکید بیشتری بر مسائلی مانند اعتقاد و ایمان راسخ به اصول دین و برپایی فروع دین است. در نتیجه سبک زندگی در جامعه زمینه‌ساز مبتنی بر اقامه نماز، برپایی عدالت اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر، پیروی از قوانین اسلامی و مدنی، احترام به حقوق انسان و ارزش‌های او، کسب روزی حلال، دوری از دنیا و پست و مقام و غیره است. بنابراین پیروی از سبک زندگی زمینه‌ساز بهترین راه برای معنویت‌بخشی به زندگی و پرهیز از زندگی قهقراگونه مادی است.

تأثیر جمع‌گرایی بر بلوغ اجتماعی

زندگی و چگونگی آن همواره دغدغه بشر بوده است. بدون تردید انسان برای گریز از توحش و راهیایی به زندگی انسانی و سبک صحیح آن و همچنین حیات طیبه و تخلق به اخلاق کریمه و رهایی از افسردگی، به یک عامل مهار کننده نیازمند است که روح او را در کنترل خود قرار دهد

تا بتواند به فطرت بشری برای زندگی اجتماعی رنگ و لعاب انسانی و الهی دهد. از این رو می‌توان گفت سبک زندگی، جایگاه مهمی در فرایند زمینه‌سازی ظهور ولی‌عصر (علیه‌السلام) دارد. وجود هر انسانی آکنده از غرایز و تمایلات گوناگون است که گاه در تضاد و تعارض‌اند و اگر در ایجاد توازن بین آن‌ها کوتاهی شود، به اختلال شخصیت می‌انجامد. دین نقش مهمی را در متعادل کردن غرایز بشر ایفا می‌کند. هر چه انسجام شخصیت و یکپارچگی هویت منتظران و یاوران حضرت مهدی (علیه‌السلام) بیشتر باشد، سلامت روانی آنان بالاتر خواهد بود. (آذربایجانی، ۱۳۸۷: ۲۷۱)

در دوران انتظار، مردم جمع‌گرایند؛ زیرا بنا به دستورات امامان خود، در مناسبت‌های مختلف، عیاد، زیارت‌ها، جشن‌های مذهبی، مراسم دعا، مراسم سوگواری، نمازهای جمعه و جماعت و غیره شرکت می‌کنند، در کمک به هم‌نوعان به اشکال گوناگون آن حاضرند و صله رحم را به‌عنوان یک وظیفه انجام می‌دهند. باور و ایمان به این جمع و اکثریت‌گرایی از آنجاکه اهدافی انسانی و معنوی نیز با خود دارد بر اطرافیان نیز تأثیر گذار بوده، آنان را به سمت سبک زندگی و جمع‌گرایی می‌کشاند. کمترین محصول چنین سبک زندگی جمع‌گرایی، ارضای نیازهای عاطفی و اجتماعی افراد و نهایتاً سلامت روحی و روانی جامعه خواهد شد.

تعاون، یک اصل کلی اسلامی است که سراسر مسائل اجتماعی، حقوقی، اخلاقی و سیاسی را دربر می‌گیرد و طبق این اصل همه مؤمنان و مسلمانان موظف‌اند در کارهای نیک با هم همکاری داشته باشند و از همیاری در اهداف باطل و اعمال نادرست و ظلم و ستم بپرهیزند. همانگونه که در قرآن کریم آمده است: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»؛ (مائده: ۲) و همواره در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید و هرگز در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید.

بنابراین مؤمنان منتظر موعود باید مردمی ایثارگر و اهل تعاون و همکاری با یکدیگر باشند و اگر همدلی و تعاون و ایثار در میان آنان نهادینه نشود و هر کدام تنها به دنبال مصالح و منافع شخصی خویش باشند، قطعاً شایستگی زمینه‌سازی برای ظهور را نیز نخواهند داشت.

تأثیر جهان‌بینی بر بلوغ اجتماعی

در جامعه زمینه‌ساز ظهور باید یک رفتار اخلاقی برخاسته از جهان‌بینی واحد بر اساس توحید شکل گیرد تا انسجامی پولادین و وحدتی خلل‌ناپذیر و ماندگار در جامعه مؤمنان پدید آید؛ وحدتی واقعی بر اساس اصل توحید و خداباوری که همه انسان‌ها را در این جامعه پوشش داده و همسو و هم‌جهت می‌سازد. به سبب اهمیت، اعتقاد به توحید و خداباوری نخستین گام و مهم‌ترین و اساسی‌ترین کار در تربیت اسلامی شمرده شده و اساس آموزه‌های همه پیامبران است. در تربیت اسلامی، پیش از هر چیز ایمان به خدا مطرح است و بعد از خداباوری، دستورات الهی تعلیم داده می‌شود. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ»؛ (شریف رضی، ۱۴۱۴: خطبه ۱) اولین گام در دین‌داری، خداشناسی است و تمام شرافت‌ها و درستی‌ها و کرامت‌های بشری بر

اساس خدانشناسی است و همه رذالت‌ها و ناپاکی‌ها و درندگی‌ها، از بی‌دینی و خدانشناسی سرچشمه می‌گیرد.

کسانی که می‌خواهند برای ظهور، زمینه‌سازی کنند و بستری مناسب برای حرکت امام(علیه‌السلام) فراهم نمایند، حتماً باید از حیث ایمان و دین‌داری از سرآمدان جامعه باشند، در محیط اجتماعی‌شان خداباوری ظهور و بروزی ویژه داشته باشد و همه‌چیز در آن جامعه رنگ خدایی به خود گیرد تا زمینه‌سازی مناسبی در آن جامعه صورت گیرد و مقدمات لازم برای پذیرش امام و لبیک به دعوت او فراهم گردد. (صالحی، ۱۳۸۶: ش ۳، ۱۴۹)

از دیگر ویژگی‌های مؤمنان راستین در آستانه ظهور- که از ویژگی‌های یک مسلمان واقعی طبق آموزه‌های قرآنی به شمار می‌رود- کفرورزی به طاغوت‌ها و استکبارستیزی است. اسلام در نظام تربیتی خویش به دنبال پرورش انسان‌هایی است که به هر قدرت طغیان‌گر و ضد خدا کافر باشد و در واقع توحید در عبادت و یکتاگرایی بدون نفی غیرخدا عملی نمی‌گردد. (نحل: ۳۶)

ستیز با قدرت‌های استکباری و نبرد با بیدادگران و طاغوت‌هایی که خوی و خصلتشان تجاوز، زیاده‌روی، افزون‌خواهی و بهره‌کشی از دیگر انسان‌هاست، ضرورتی عقلی و قرآنی به شمار می‌رود؛ زیرا مطالعه تاریخ بشر و رودررویی پیامبران و مصلحان با این‌گونه افراد به‌خوبی این واقعیت را آشکار می‌سازد که موانع رشد و تکامل انسان در برخی موارد جز با قدرت و خون‌ریزی از سر راه برداشته نمی‌شود. بنابراین گاهی جنگ، خون‌ریزی و قصاص و قتل تنها راهی است که به صلح و آسایش و امنیت و حفظ جان‌ها و تربیت نفوس رهنمون می‌گردد و راه تربیت درست و زمینه اصلاح اخلاقی را باز می‌کند. (شیخ صدوق، ۱۳۹۵: ۵۱۷) اسلام با توجه به همین واقعیت جنگ و ستیز با ناهلان را نه به‌عنوان هدف و آرمان، بلکه به‌عنوان راه و وسیله برای تحقق اهداف مقدس خویش پذیرفته است. (بقره: ۱۹۳)

از این‌روست که باید مؤمنان و منتظران در آستانه ظهور از آمادگی کافی برای ستیز با مستکبران برخوردار باشند. در دوران طولانی پیشاظهار، به همه منتظران به‌ویژه هسته‌های اصلی انقلاب مهدی(علیه‌السلام) آموزش‌هایی داده شده است تا برای تحمل دشواری‌های بسیار سنگین، در خود آمادگی به وجود آورند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۲، ۳۵۸)

گذشت روزگار و دیرپایی نظام‌های ستم‌بنیاد و انبوهی حوادث و ویرانی‌ها و سیطره ناکامی و سلطه شکست‌های پیاپی و انقلاب‌های نافرجام، منتظر راستین را از آینده مأیوس نخواهد ساخت و در اصالت راه و کار خود تردید نخواهد کرد. او در نیمه شب سرد و تاریک یلدای زندگی، ایمان به نیم‌روز گرم و روشن تابستان را در دل زنده و پویا نگاه خواهد داشت. (قمی، ۱۳۷۶: ۵۲۷)

در زمان زمینه‌سازی، بشر باید تلاش کند به اوج بلوغ فکری و رشد اجتماعی و معنوی و تکامل روحی نایل شود تا بتواند در زمره سربازان و پیروان آن حضرت قرار گیرد. بنابراین غرایز جسمی و جنسی ضمن مهم شمرده شدن، باید در جهت تأمین نیازهای سطوح بالاتر روحی قرار گیرند، نه این‌که خود هدف زندگی باشند. به دیگر سخن، این غرایز در مرکز توجه قرار نمی‌گیرند و اجازه خودنمایی به آن‌ها داده نمی‌شود. این رویکرد، پیش‌زمینه‌های لازم برای تعریف نوعی سبک زندگی

به نام زمینه‌ساز را فراهم می‌سازد که وفق آن، غرایز جسمی و جنسی در بند و اسیر روح، فرهنگ متری انتظار و دینی شده و از سرکشی آن‌ها جلوگیری می‌کند. (محمدی، ۱۳۹۳: ج ۱، ۲۴۹)

داشتن روحیه جهادی و تلاش برای ایجاد حکومت اسلامی یک اصل است. انتظار فرج که خود، جهادی تمام‌عیار است، (حرانی، ۱۴۰۴: ق: ۳۷) طالب مجموعه‌ای از صفات جهادی است و آرزوی شهادت روحیه جهادی را در دل منتظران نهادینه ساخته است. «يَتَمَنُّونَ أَنْ يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ». (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۰۸)

مدیریت جهادی، تلاشی خستگی‌ناپذیر برای انسجام و همراه کردن مؤمنان در غلبه بر دشمن و عبور از موانع تا رسیدن به آرمان‌های مادی و معنوی مقدس با بهره‌گیری از امکانات مادی و امدادهای الهی است.

مدیریت جهادی از دیدگاه ساختاری عبارت از فرآیندهای برنامه‌ریزی جهادی، سازمان‌دهی جهادی، جهت‌دهی و کنترل جهادی است که منابع (انسانی، مالی، مواد خام، تکنولوژیک و اطلاعات، ارزش‌های دینی، شیعی و انقلابی) را به‌عنوان ورودی سیستم از محیط دریافت می‌کنند و عملکرد (تحقق اهداف، محصولات، خدمات، کارآیی و اثربخشی) را شکل می‌دهند. (قطبی، ۱۳۹۴: ج ۳، ۱۳۹)

وفای به عهد، ضامن نظم و ثبات و بقای حیات اجتماعی انسان‌ها تلقی می‌شود که اگر به آن عمل نشود، قطعاً زندگی اجتماعی از هم گسیخته و مختل خواهد شد. از این رو در منابع اسلامی اعم از قرآن و روایات، تأکید بسیاری بر مراعات وفای به عهد، به‌عنوان یک ارزش پایدار جامعه مطلوب اخلاقی شده است. برای مثال، خداوند در قرآن کریم، یکی از صفات برجسته حضرت اسماعیل (علیه‌السلام) را «صَادِقَ الْوَعْدِ» بودن او دانسته و می‌فرماید: {إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا}. (مریم: ۵۴) در روایتی نیز ذیل این آیه آمده است: این‌که خداوند اسماعیل را «صَادِقَ الْوَعْدِ» شمرده، به این دلیل است که او به قدری در وفای به وعده‌اش اصرار داشت که وقتی با کسی در محلی وعده‌ای گذارده بود و او نیامد تا یک سال در انتظار او بود! هنگامی که پس از این مدت آمد، اسماعیل گفت: من همواره در انتظار تو بودم. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ج ۱۳، ۹۵)

دستیابی به کرامت الهی مشروط به وفا کردن به عهد و میثاق با خداوند و بندگان اوست و رعایت این فضیلت اخلاقی، منوط به تقوای در دین است. اگر این شرایط تمام شد، در آن صورت محبت و ولایت الهی برای انسان حاصل می‌گردد و نصرت خداوندی و زندگانی سعادت‌مند- که موجب ترفیع درجات اخروی است- نصیب او می‌شود. این‌جاست که می‌توان گفت جامعه مطلوب اخلاقی مستلزم رعایت عهدها و وفای به پیمان‌هاست؛ زیرا موجب مراعات حقوق دیگران توسط آدمی شده و هیچ‌گاه منافع موقت و زخارف ناچیز دنیوی جای آن را نمی‌گیرد و این دسته انسان‌ها هستند که خداوند درباره آن‌ها فرموده: {بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُتَّقِينَ} (آل‌عمران: ۷۶) (طباطبایی، ۱۳۷۷: ج ۲، ۴۱۵)

از جمله اموری که در تحقق ظهور نقش بسزایی دارد، شناخت مقام امام و پی بردن به جایگاه و منزلت اوست. این شناخت از دو جهت باید صورت گیرد؛ اول این‌که انسان دریابد دارنده این

مقام از چه جایگاه و منزلت رفیعی برخوردار است. دوم این که بدانند در هر عصری، امامی هست و خدای متعال زمین را از امام خالی نخواهد گذاشت. اگر همگان این دو جهت را درک و فهم کنند، دیگر کسی به جز حضرت را مصلح نمی‌دانند و جز او را پناه کامل و منجی حقیقی نخواهند دانست. امام معصوم، واجد همه کمالات است و تنها اوست که لیاقت کامل و بی‌کم و کاست را برای اداره بشریت دارد.

پس باید تمام تلاش را به کار برد تا حضرت قائم(علیه‌السلام) به درستی معرفی شود. معرفی ایشان هم باید چنان باشد که زمینه محبت و عشق مردم را به آن‌ها به وجود آورد. به همین دلیل، در روایات به مسلمانان توصیه شده است که با دشمنان هم مهربان باشند و به‌عنوان پیرو ائمه(علیهم‌السلام) رفتار زنده‌ای نداشته باشند و ائمه(علیهم‌السلام) را چنان معرفی کنند که مردم نسبت به ایشان محبت پیدا کنند. برای نمونه، امام صادق(علیه‌السلام) در توصیه به عده‌ای از مؤمنان می‌فرماید: بر شما باد به تقوای الهی و راست‌گویی در گفتار و ردّ امانت و حسن معاشرت و سلام کردن و اطعام دیگران. در مساجد آن‌ها نماز بخوانید و از مریض‌های آن‌ها عیادت کنید و به تشییع جنازه اموات آن‌ها بروید؛ چون پدرم فرمود: دوستان ما اهل بیت جزو بهترین‌ها از هر دسته‌ای هستند. اگر فقیهی بود، از ایشان است. اگر مؤذنی بود، از ایشان است. اگر امام جماعتی بود، از ایشان است و اگر صاحب امانتی بود، از ایشان است و اگر صاحب ودیعه‌ای بود، از ایشان است. این‌گونه مردم را نسبت به ما علاقه‌مند سازید و بغض ما را در دل آن‌ها ایجاد نکنید. (صدوق: بی تا، ۷۰)

بنابراین، آنچه زمینه را برای ظهور فراهم می‌سازد، شناخت مردم از مقام امامت و وجود مبارک امام عصر(علیه‌السلام) است؛ چون شناخت موجب عشق و ارادت می‌شود و عشق و ارادت هم باعث اطاعت و تسلیم می‌شود. فقط در چنین شرایطی، حضور و ظهور امام(علیه‌السلام) سودمند و نتیجه‌بخش خواهد بود.

عوامل زمینه‌سازی پیشاظهار

بحث عوامل و شرایط ظهور از دیرباز به شکل‌های مختلفی مطرح بوده است. روایات گوناگونی که در این خصوص از معصومان (علیه‌السلام) به یادگار مانده و کتاب‌ها و تکراری‌های گوناگونی که به قلم علما و اندیشمندان اسلامی نگارش شده و بحث و گفتگوهای متنوعی که در میان مردم و باورمندان اسلامی مطرح است، همه و همه نشان از دیرین و مهم بودن این بحث دارد؛ مثلاً: برخی از روایات معصومان (علیهم‌السلام) به یاران امام زمان اشاره می‌کنند و ظهور را متفرّع بر آن می‌دانند و برخی روایات دلیل ظهور نکردن امام را ایمن نبودن امام زمان و در خطر بودن جان حضرت بیان می‌کنند و برخی دیگر به طور کلی ظهور را متفرّع به اقبال، پذیرش و آمادگی مردم می‌دانند.

اندیشمندان اسلامی رخداد ظهور را دارای شرایط و علل ایجادى دانسته‌اند و تحقق ظهور را بدون آنها غیر ممکن بر شمرده‌اند؛ مثلاً شیخ طوسی در کتاب غیبت می‌نویسد: رخداد ظهور متفرع بر سه مؤلفه اساسی است: اول آنچه به خدا ارتباط دارد، ایجاد آفرینش امام است. دوم آنچه به امام ارتباط دارد، مسئولیت رهبری و امامت و به انجام رساندن آن است. سوم آنچه به ما مردم ارتباط دارد، تصمیم به یاری و پشتیبانی امام و تسلیم بودن در برابر فرمان اوست. یعنی رخداد ظهور متفرع بر سه عملکرد خدا، امام و انسان است. در صورت تحقق این سه عملکرد، ظهور تحقق پیدا می‌کند. شیخ طوسی در ادامه تأکید می‌کند شرط اول و دوم تحقق پیدا کرده است و تنها یک شرط مانده و آن همان آمادگی و شایستگی مردم جهت یاری رساندن به امام است که با تحقق آن ظهور به وقوع می‌پیوندد (طوسی: ۴۱).

علامه حلی در کشف المراد در شرح سخن خواجه بحث لطف بودن امام را مطرح کرده، می‌گوید اصل وجود امام برای بشریت لطف است و تصرفات امام (ظهور امام) در امور اجتماعی مردم لطف دیگری است و اگر می‌بینیم الان مردم از این لطف الهی محروم‌اند، یعنی ظهور امام زمان (علیه‌السلام) را در میان خود ندارند، به سبب کوتاهی و عدم آمادگی است که به مردم باز می‌گردد: «فكان منع اللطف الكامل منهم، لامن الله تعالى و لامن الامام» (حلی: ۲۸۵).

در این زمینه سیدبهاء‌الدین نجفی در کتاب منتخب الانوار المضيئه می‌نویسد: از آنجا که ظهور حضرت مهدی (علیه‌السلام) سبب برپایی حدود و اجرای بسیاری از احکام می‌شود و غیبت و نهان بودن وی باعث تعطیل شدن و کنارماندن بسیاری از حدود شریعت پیامبر اسلام (ص) شده است، پی می‌بریم که سبب اصلی در غیبت آن حضرت از ناحیه خداوند متعال و امام زمان نیست؛ چراکه در این صورت لازم می‌آمد که خدا و امام واجبی را - که همان اقامه حدود و اجرای دستورات اصیل اسلامی است - ترک کرده باشند و چنین چیزی بر آنان محال است؛ بنابراین باید بگوییم سبب اساسی در مخفی بودن امام عصر از دیده‌ها، نبودن یاور و صلاحیت نداشتن جامعه و نسل حاضر برای پذیرش آن امام همام است (فیلی: ۱۳۸).

بنابر آنچه نقل شد باید گفت آمادگی مردم اساسی‌ترین شرطی است که تحقق بخشی ظهور را تضمین و فقدان آن، غیبت را تجویز می‌کند.

آمادگی کامل مردم، شرط ظهور

بسیاری از اندیشمندان و علمای گذشته و معاصر تحقق ظهور امام را مشروط به آمادگی مردم دانسته‌اند که در صورت تحقق این آمادگی، در ظهور لحظه‌ای تأخیر نمی‌افتد؛ زیرا اصل فلسفه وجودی امام بر این است که ظهور کند و در میان مردم باشد. از طرفی وقتی به مسئله غیبت و عوامل پیدایش آن و روایات این باب و داده‌های مفهومی و منطوقی آنها نگاه می‌کنیم، برداشت می‌شود برخی عوامل نقش مهمی در پیدایش غیبت دارند، یعنی نقششان بسان نقش علت فاعلی است نظیر قدرشناسی مردم از جایگاه امام و پیروی نکردن از دستوره‌های امام و ترس از مصونیت نداشتن امام در میان مردم. همه این موارد در قالب یک جمله به نام آمادگی نداشتن مردم

بازنمایی می‌شود؛ پس هنگامی که مردم عوامل اساسی غیبت را - که نقش خاستگاه و توجیه‌گر غیبت را دارند - باز شناسند و در صدد رفع آنها بر آیند، یعنی مردم همه عواملی را که زمینه‌ساز غیبت امام زمان اند، از بین ببرند و در برابر و مقابل آن، آمادگی را به حد نصاب برسانند، در واقع زمینه‌سازی ظهور را فراهم کرده‌اند. در این صورت چرا ظهور رخ ندهد؟ و چرا خداوند حکیم که دایم الفیض است، این فیض را از مردم دریغ دارد؟

پس تحقق آمادگی که همان تحقق زمینه‌سازی ظهور است، اساسی‌ترین علتی است که تحقق ظهور را تضمین می‌کند. روایات مختلفی نیز که در این خصوص از معصومان (علیهم‌السلام) صادر شده، به همین نکته اشاره دارند؛ مثل روایاتی که درباره یاری رساندن مردم به امام زمان سخن می‌گویند (نعمانی: ۳۰۷) یا روایاتی که به قدرشناسی مردم و همراهی آنان با امام اشاره می‌کنند (صدوق، جلد ۲-۳۴۶)؛ همچنین روایاتی که به لزوم معرفت مردم به امام پرداخته‌اند، همه و همه به نحوی اشاره به آمادگی دارند و در واقع آمادگی مردم، یگانه علت و شرطی است که ظهور را به ارمغان می‌آورد. امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) در این زمینه می‌فرماید: «و اعلموا أن الأرض لا تخلو من حجة الله عز و جل و لكن الله سيعمي خلقه عنها بظلمهم و جورهم و إسراقهم علی أنفسهم بدانید که زمین از حجت خدا خالی نمی‌ماند؛ اما خداوند برائثر ظلم و ستم و اسراف بر نفس (گناهان) مردم، آنان را از دیدن او کور و محروم خواهد ساخت»؛ یعنی حجتش را از چشم‌های خلق پنهان می‌کند.

در نتیجه وقتی زمینه‌سازی و آمادگی مردم شرط ظهور باشد، اراده و قدرت بشری بر رخداد ظهور تأثیرگذار و ظهور در رخدادش وابسته به اراده جمعی بشر خواهد بود. وابسته بودن رخداد ظهور به اراده جمعی بشر، دلیل بر زمینی بودن ظهور است؛ البته منظور در اینجا، بشری و زمینی صرف نیست، بلکه تلفیقی از زمینی (اراده بشر) و آسمانی (اراده خدا) مراد است.

ابعاد تکلیف در زمینه‌سازی ظهور

بُعد دینداری

بُعد نخست، از ابعاد مقاومت بُعد دینداری است، یعنی که هر کس بکوشد تا دین خود را - در اعتقاد و در عمل - حفظ کند، مبانی عقیدتی خویش را، با تفکر و تأمل، و کسب آگاهی‌های سودمند، و شناخت‌های درست، و درس‌های لازم، استوار سازد. همچنین به اعمال تکلیفی دین عمل کند، تا خویش را به عنوان فردی مؤمن و صدیق نگاه دارد، و در جامعه، به عنوان یک انسان متدین متعهد، حضور داشته باشد (حکیمی، ۱۳۸۱-۲۴۰). برای این مقصود، هم باید به درست کردن و محکم ساختن ایمان اعتقادی پردازد، و هم به تهذیب قلب و باطن و تقوی و خودسازی، یعنی: ایمان و عمل.

بُعد دین آموزی

بُعد دوم، آموختن دین و مبانی و تکالیف دین است به دیگران، و حفظ دین است در جامعه. مسلمان متعهد، باید برای حفظ دین در جامعه، و گسترش آن در این سو و آن سو، و بقا و انتقال آن، و خوب فهماندن آن، به فرزندان و نزدیکان و به اشخاص و محیط‌ها، به کوشش برخیزد، و در این راه انبیايي از پای ننشیند، تا بدین‌گونه هسته‌ی مقاومت جمعی و مرکزیت قدرت دینی نیز همواره محفوظ بماند.

بُعد فرهنگی

بُعد سوم، نگهبانی و حراست فرهنگ دینی است در میان افراد و اجتماع. لازم است که به هر وسیله‌ای شده است، فرهنگ اسلامی و دینی، و سنن شیعی، در میان جامعه زنده بماند، و همواره نقش آفرین و جهت بخش باشد. مقصود از فرهنگ در اینجا، اعم است از مظاهر سنتی و عینی، و انگاره‌های ذهنی و فکری.

بُعد اعتقادی (ایدئولوژیکی)

بُعد چهارم، تجدید حضور همواره جهان‌بینی دینی است در سطح اجتماع. نظام فکری دینی، باید همواره، به صورت یک نظام فکری نیرومند و مستدل، در میدان‌های اندیشه‌ی اجتماعی حاضر و حاکم باشد. در این بعد، تکلیف، عمیق و دقیق است. باید پیوسته آگاهانی تربیت شوند، که از همه مکاتب فکری، و مبانی ایدئولوژیکی آگاه باشند، و در همه صحنه‌ها، و در برابر پیدایش هر فکری و کشفی و نظریه‌ای، مسائل را روشن کنند، و آسیب‌ناپذیری حقایق دینی و اعتقادی را نشان دهند، و حقیقت تفکر دینی را پاس دارند، و از حضور و نفوذ و فعال بودن آن حمایت کنند (مطهری، ۱۳۸۸-۲۱۲).

بُعد اقتصادی

بُعد پنجم، حفظ قدرت مالی، و امکانات اقتصادی اسلامی است. همه نهضت‌ها و انقلاب‌ها و اصلاح‌ها، هم برای گسترش یافتن، و هم برای باقی ماندن، نیازمند هزینه‌اند. جامعه نیز در مواردی نیازمند کمک مالی است. افراد نیز در مواردی نیازمند کمک مالی هستند. دیگر ابعادی که ذکر کردیم، و ذکر خواهیم کرد، همه و همه، نیاز به هزینه دارد. بنابراین، بقا و تکثیر ثروت‌های سودمند عمومی، در میان جامعه متدین، جزء وظایف است. و یکی از ابعاد مقاومت، همین تمکن و توانمندی مالی است. قرآن کریم، مال را مایه «قوم» و بر سر پیمانی شمرده است (نساء: ۵). حفظ دین و فرهنگ دینی و دیگر مظاهر و شئون دین، و همچنین گسترش و تبلیغ آن، نیازمند قدرت مالی و اقتصادی است. جامعه متدین باید بکوشد تا از راه کار حلال - چه کشاورزی، چه صنعتی و چه دیگر راه‌ها - توانگر و با تمکن باشد، تا این توانگری و تمکن را، به هنگام لزوم، در خدمت نشر دین خدا و آرمان‌های والای انسانی به کار گیرد (حکیمی، ۱۳۸۱-۲۴۱).

بُعد سیاسی

بعد ششم، حضور و مقاومت سیاسی است. با کناره‌گیری از فعالیت‌های سیاسی و از دست دادن پست‌های مدیریت اجتماعی، هرگونه قدرتی، بمرور از دست می‌رود، و کار به جایی می‌رسد که شما به احکام دین خود، حتی در سطح فرد، نتوانید عمل کنید

و اگر متدینین، حضور سیاسی - اجتماعی خود را از دست بدهند؟

حضورهای دیگر آنان نیز (حضور اعتقادی، سنتی، فرهنگی، عملی، و...)، به انحراف کشانیده می‌شود، و بی‌محتوی می‌گردد، و سپس از دست می‌رود. نمی‌توان تصور کرد تکلیفی که در رابطه با لزوم مقاومت و پایداری (به‌ویژه در بعد سوم، از ابعاد مذکور در قرآن کریم: «رابطوا» (آل عمران: ۲۰۰)، بردوش مردم متدین و معتقد قرار دارد، بدون حضور و فعالیت سیاسی - اجتماعی، عملی باشد و به نتیجه برسد. متدینین، باید در این باره بسیار بیدار و هوشیار باشند، و گول هیچ تبلیغی را نخورند. دخالت در سیاست حقه، و شرکت در سیاست به قصد اداره جامعه براساس سیاست حقه، و نگاهداری جامعه از انحراف، و حفظ دین خدا در اجتماع، و انتقال آن به نسل‌های آینده، و به منظور پاکسازی و پاکداری کشورهای اسلامی از لوث وجود بیگانگان و استعمارگران و مستشاران و جاسوسان، و برای استقلال بخشی به سرزمین‌های قرآنی، و اجرای عدالت و قسط، از افضل طاعات و اعظم عبادات است، و در سرلوحه تکالیف دینی جای دارد، «کونوا قوامین بالقسط» (نساء: ۱۳۵) - بر پای دارندگان مقتدر داد و دادگری باشید.

بعد نظامی

بُعد هفتم، بعد نظامی و قدرت مسلحانه است. دین اسلام همیشه، دعوت به قدرت و عزت کرده است. خود نیز از آغاز با قدرت و عزت وارد صحنه زندگی بشر شده است. اسلام جامعه متدین را، به داشتن قدرت نظامی و نیرو تشویق فرموده است. این فریاد قرآن است که:

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ، مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ (أنفال: ۶۰).

- تا می‌توانید نیرو جمع کنید، و جنگ افزار و اسبان آماده (و امروز خودروها و انواع وسایل جنگی دیگر، زمینی، هوایی، دریایی، پیشرفته و بسیار پیشرفته).

منطق قرآن این است. در سخنان پیامبر اکرم «صلی‌الله»، در سخنان علی «علیه‌السلام» و سخنان ائمه «علیهم‌السلام» نیز، در این باره‌ها، تعالیم و دستورات فراوان رسیده است. این‌ها همه برای این است که مسلمانان، مقتدر باشند، و عزت - که از آن خدا و رسول و مؤمنان است - همچنان از آن آنان ماند، و دین از موضع عزت و قدرت عمل کند، و دیندار عزیز و نیرومند باشد، و دین خدا را با نیرومندی پاسداری کند، و بگستراند (حکیمی، ۱۳۸۱-۲۴۳).

بُعد سازماندهی

بُعد هشتم، از ابعاد مقاومت، بُعد سازماندهی و ایجاد تشکیلات است. بخوبی معلوم است که هر گونه فعالیت اجتماعی، و تبلیغات اعتقادی، و حضور سیاسی، و کوشش نظامی در اجتماع،

وقتی سودمند است که از یک سازماندهی اصولی، و یک تشکیلات منسجم و نیرومند برخوردار باشد. بدون داشتن تشکیلات و سازماندهی، نیروها هدر می‌رود، و مجاهدتها به نتایج عمده‌ی خود نمی‌رسد، و موضعگیری‌ها پایدار نمی‌ماند، و باروها حراست نمی‌شود، و موقعیت‌ها محفوظ نمی‌ماند. اگر این ایمان عمیق و این ایثار عجیب، که در مردم متدین وجود دارد، در جریان یک سازماندهی نیرومند و تشکیلات قوی مورد استفاده قرار گیرد، و آگاهانه و بدرستی جهت داده شود، آیا چه نتایجی از آن، در راه اصلاح اجتماعات و اشاعه خیر و فضیلت، توان گرفت؟ باری، جامعه دینی باید به حضور تشکیلاتی معتقد گردد. متدینین باید از شعبه شعبه بودن، و هر دسته ای جدا به کاری دست زدن، و نیروها را تلف کردن، دست بردارند، دارای روحیه تشکیلاتی گردند، و قویترین تشکیلات را، در درون خود پدید آورند. نظام اجتماعی اسلام، براساس عمیق‌ترین روابط تشکیلاتی استوار شده است، حتی احکام فقهی اسلام، همواره، بر نظام تشکیلاتی و عملکردهای اجتماعی مبتنی است (همان، ۲۴۴).

بُعد هنری

بُعد نهم، از ابعاد مقاومت، بعد هنری و مظاهر القایی و تبلیغی است. در اینجا می‌خواهم بر این بُعد بسیار تأکید کنم. حوزه‌های مذهبی و دیانتی نباید از آثار عظیم و قدرت‌های شگرف هنر و قدرت القای هنری غفلت ورزند. بعد هنری، در ابعاد مقاومت، بعدی بسیار مؤثر است. این بعد همواره باید زنده و فعال باشد. توجه به مسائل هنری و ذوقی باید امری جدی و تکلیفی تلقی شود. پایه تبلیغات صحیح نیز بر دوش همین بعد قرار دارد. قرآن کریم خود، سرشار است از ابعاد هنری و اصول زیبایی. پیامبر اکرم و ائمه طاهرين، همواره به این مسائل توجه داشته‌اند، و به این مسائل توجه داده‌اند. آنان شعر متعهد را (یعنی شعری که در صراط مقاومت حرکت کند)، پیوسته بزرگ داشته‌اند و تشویق کرده‌اند، حتی در ایام حج، در منی و عرفات، خواندن و شنیدن اینگونه شعر را تأیید و ترویج نموده‌اند. پیشوایان دین، در عرضه‌های مذهبی، به جمال و زیبایی، و بعد ذوقی و هنری، توجه بسیار نشان داده‌اند. باید متدینین ما، از این امر غفلت نکنند. و باید کارگزاران جامعه اسلامی، به تأمین همه جانبه، و توسعه اصولی مبانی هنری، و مظاهر تبلیغی و القایی، و علوم و فنون لازم در این باره، توجه خاص داشته باشند. این نیز یکی از ابعاد مقاومت تکلیفی است.

بعد زمان‌گرایی مثبت

دهمین بعد، از ابعاد مقاومت بُعد زمان‌گرایی مثبت است. خواص زمانی، در مقیاس اجتماعات بشری، یک حقیقت متغیر است که در هر عصری و نسلی ویژگی‌هایی دارد، و اموری نوین را آشکار می‌سازد. پدیده‌های نوینی که در هر عصر نو پیدا می‌شود، چنین نیست که همه محکوم و مردود باشد. اگر رخدادها و آیین‌های نو، جایگزین سنت‌های درست و اصالت‌های راستین شوند به یقین باید خود آنها به دست فراموشی سپرده شوند، اما چیزها و آیین‌ها و روش‌های نو، همیشه، اینگونه نیستند. چه بسیاری از امکانات نو، و مسائل نو، و روش‌های نو، که به هدف‌های مقدس و

مقاومت‌های خدایی کمک می‌رسانند. در روایات دینی و تعالیم پیشوایان رسیده است که فرزندان خود را به آیین نو، تربیت کنید، و زمان را بشناسید. مقصود از تربیت فرزندان به آیین نو، نوهایی است که با ماهیت زمان همراه است، و معارض با اصول نیست. اینگونه نوها را باید شناخت و باید مورد توجه قرار داد. بنابراین، باید زمانگرا بود، و به زمان حاضر و خواص آن اهمیت داد، اما به صورت مثبت و در راه پایدار ماندن اصول.

ضرورت حاکمیت دینی

هنگامی که به اهمیت «مقاومت»، و «ابعاد» آن توجه یافتیم، و هنگامی که دانستیم که وظیفه نگهبانی «دین خدا»، و سرپرستی امت، و حفظ موجودیت اسلام، در عصر غیبت، با «نایب امام» است، ابعاد وسیع این تکلیف بزرگ، هم در مورد نایب امام، و هم در مورد وظایف مردم و مسئولیت‌های جامعه نسبت به او، به خوبی دانسته می‌شود.

نایب امام، باید دین خدا را، و میراث انبیا را، و فرهنگ اسلام را، و حوزه مسلمین را، و عزت مؤمنین را، همه را، در عصر خویش حراست کند، و این مجموعه را، به نسلهای آینده برساند. مردم نیز باید، در ادای این تکالیف، همه گونه به او کمک کنند. و پر روشن است که چنین وظیفه‌ای سنگین، جز با داشتن قدرت، عملی نیست. و داشتن قدرت جز با داشتن حاکمیت شدنی نیست. دین یک «نظام جامع» است، نه یک مشت موعظه و احکام، چه امکان اجرایی داشته باشد و چه نداشته باشد. بلکه در خود دین، ضمانت اجرایی آن، از طریق مقام رهبری و قدرت مرکزی، و تکالیف مسلمین، پیش بینی شده است. دین تربیت است و سیاست. هدف تربیت این است که فرد، افکار و اعمال خویش را، بر پایه اصولی خاص، استوار سازد. و هدف سیاست این است که جامعه، افکار و اعمال خویش را، بر پایه اصولی خاص استوار سازد. و از اینجاست که تربیت و سیاست، دارای اقسام گوناگون می‌گردد: تربیت و سیاست درست، تربیت و سیاست نادرست، تربیت و سیاست منحط، تربیت و سیاست مترقی؛ تربیت و سیاست وابسته، تربیت و سیاست غیر وابسته تربیت و سیاست دینی، تربیت و سیاست غیردینی، و تربیت و سیاست غیردینی ممکن است تربیت و سیاست ضددینی باشد(الهی نژاد، ۱۳۹۷-۴۵).

حضور قدرت دینی جز با حضور قدرت سیاسی امکان پذیر نیست. این است که حضور سیاسی و کسب قدرت سیاسی، برای حفظ حضور و قدرت دینی، وظیفه شرعی می‌شود. و این است که دین عین سیاست است و سیاست عین دین. و این است که امامت و رهبری از اصول است و جزء اعتقادات.

برنامه‌های خداوند در زمینه‌سازی پیشاظهار هدف آفرینش: خداوند متعال موجودات را بیهوده و بی‌هدف خلق نکرده، بلکه بدان جهت لباس هستی برقامت آنها پوشانیده است که به کمال شایسته خود برسند و با پرستش خالصانه خداوند به رشد نهایی خود نایل آیند. چنان که خود می‌فرماید: ((وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون)) ذاریات: ۵۶. اگر انسان خود را در محدوده‌ای

تعلیم و تربیت الهی قرار دهد و زیر نظر و اشراف خداوند قرار گیرد، تبدیل به انسانی کامل و دادگرو معتدل می‌شود. ایجاد حکومتی عادل که جوامع را به‌راستی مدیریت نماید و قوانین خداوندی را اجرا کند و مسئولیت اساسی حرکت جامعه به‌سوی خداوند، در این مسیر بی‌نهایت و طولانی به عهده‌ی همان حکومت و دولت است. (صدر: ۱۳۷۱، ۱۳۵)

این وعده‌ی صریح خداوند است ((ان... لا یخلف المیعاد)) (آل عمران: ۹، رعد: ۳۱) و سرانجام اینک می‌فرماید ثمره‌ی این حکومت عدل ((و لیبدلنهم من بعد خوفهم امنا)) حالت خوف و ترس آنها را به آرامش و امنیت تبدیل خواهد ساخت.

برنامه‌ریزی الهی پیش از اسلام در این برنامه تمام انبیا الهی هماهنگی و همکاری اجمالی داشته‌اند (صدر ۱۳۸۱، ۲۶۰)، بشریت در آغاز پیدایش، شرط گسترش عدالت در سطح جهانی را نداشت، عدل کامل را نمی‌شناخت و اگر بر فرض هم می‌شناخت آماده پذیرش و اجرای آن نبود. لذا باید دورانی طولانی در تمرین و آزمایش می‌گذشت و این خود جزئی از برنامه‌ریزی الهی به حساب می‌آید. پیامبران هر یک در تحقق این هدف کلی مشارکت و همراهی می‌نمودند (صدر، ۱۳۸۱، ۲۶۲).

برنامه‌ریزی الهی بعد از اسلام

مقصود سلسله برنامه‌ریزی‌هایی است که از آغاز پیدایش اسلام شروع شده و تا روز موعود ادامه دارد. اسلام تنها طرح و برنامه عدالت کامل است که خداوند آن را برای اجرا در آن روز موعود ذخیره کرده است و دلیل آن نیز ادله قطعی‌ای است که خاتمیت این دین الهی را اثبات می‌کند و می‌گوید که بعد از پیامبر اسلام پیامبر دیگری نیست (مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّنْ رِّجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا) (احزاب: ۴۱) یا حلال محمد تا روز قیامت حلال، و حرام او تا روز قیامت حرام است. هماهنگی غیبت امام مهدی با برنامه‌ریزی الهی غیبت و پنهانی آن حضرت می‌بایست با آن برنامه‌ریزی کلی الهی هماهنگی داشته باشد. زیرا وقتی اراده‌ی خداوند بر این تعلق گرفت که پیشوای امت اسلام مهدی موعود باشد_ چنان که عقیده‌ی شیعه و گروهی از اهل سنت نیز این است_ برای تحقق این غرض می‌بایست برنامه‌ریزی طوری باشد که از آن حضرت برای روز موعود نگهداری شود و از رسیدن هرگونه گزند به او جلوگیری به عمل آید. لکن از آنجا زمان آنها به فرا رسیدن آن روز چندان نزدیک نبوده و شرایط لازم هم فراهم نبود لزومی نمی‌دیدند که درباره آن روز به تفصیل سخن گویند و جزئیات را بازگو کنند(صدر، ۱۳۸۱: ۲۶۲).

نتیجه‌گیری

انسان در گذار از مسیر نفس و طبیعت به فراسوی تغییر نفس و تجلی ساحت‌های فطرتش منازل و مراحل را سپری می‌کند. سیر آغازین مراحل رشد طبیعت انسان به کمالات تکوینی

منتهی می‌گردد که این کمالات به نوبه خود با بهره‌گیری از اختیار و اراده در پرتو خرد و استمداد از وحی، نقطه آغازین سیر کمالات تشریحی می‌شود که از کمالات فردی آغاز و به کمالات جمعی و بلوغ اجتماعی ختم می‌گردد. همچنانکه بلوغ اجتماعی نیز مقدمه و نقطه آغازین تجلی اسماء و صفات الهی در پرتوی ظهور انسان کامل و خاتم اولیاء الهی است که به حیات طیبه ختم می‌گردد و حیات طیبه نیز به فنای فی الله منتهی می‌شود.

آنچه میزان و کمّ و کیف منازل و مراحل را تعیین می‌کند، آستانه بلوغ اجتماعی انسان‌هاست؛ یعنی هرچه سطح و آستانه بلوغ اجتماعی انسان فراتر باشد، سطح و آستانه منازل و مراحل حرکت تاریخی به سوی بارانداز و هدف تاریخ عالی‌تر می‌شود. بی‌تردید آرمان بلند ظهور مهدی موعود (علیه‌السلام) که تحقق آن براساس سنن الهی ربط مستقیم به بلوغ اجتماعی انسان دارد نیز از این امر استثنا نیست.

در عرصه مطالعات مهدوی از کوشش انسان‌ها در فراهم‌سازی مقدمات ظهور حضرت مهدی (علیه‌السلام) به «زمینه‌سازی ظهور» تعبیر می‌شود. کانونی‌ترین و پایه‌ای‌ترین مسئله در زمینه‌سازی ظهور، موضوع «بلوغ اجتماعی» و قابلیت یافتن بندگان خدا و عموم مردم است. بلوغ اجتماعی همچون اخلاق فردی دارای فضائل و رذائلی است و همچنانکه عوامل ایجابی مانند دینداری، سیاست‌گرایی و زمان‌بندی مثبت در کسب و تحصیل فضائل نقش اساسی دارند. ترک و رهایی از عوامل سلبی مانند یأس، بی‌عملی و دوری از معنویات نیز در زدودن رذائل تأثیرگذار خواهد بود.

پیشنهادهات

بر اساس آموزه‌های دینی، نباید کارکرد فرهنگی اندیشه انتظار را از کارکردهای سیاسی-اجتماعی آن جدا دانست. فقدان جامع‌نگری در این مقوله، بروز آسیب‌های فراوانی را موجب می‌گردد؛ زیرا درک صحیح مفهوم انتظار نیز مستلزم شناخت اقتضائات و الزامات عقیدتی و سیاسی-اجتماعی مقوله انتظار در عرصه‌های فکری و رفتاری خواهد بود. از این رو، برای رهایی از آسیب‌های انتظار خاموش و رهیافت به انتظار فعال و زمینه‌ساز، باید نگرش معرفتی جامعه منتظر، بر اساس معرفت منتظرانه و نیز رویکرد رفتاری آنان، بر اساس سلوک منتظرانه، شکل گیرد تا زمینه برای ایجاد رغبت اجتماعی پدید آید و این رغبت اجتماعی، به تدریج به رویکردی جمعی تبدیل گردد.

کتابنامه

قرآن کریم

- ابن منظور، محمد بن مکرّم، **لسان العرب**، بیجا، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۳ق.
آدلر، آلفرد، **روانشناسی فردی**، مترجم: زمانی شرفشاهی حسن، بیجا، نشر تصویر، ۱۳۷۰.

- آذربایجانی، مسعود، روان شناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز، بیتا، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.
- آیتی، نصرت الله، شرایط عصر غیبت و الزامات اخلاقی آن، مشرق موعود، چاپ اول، قم، نشر موسسه آینده روشن، پژوهشکده مهدویت، ج ۱، ۱۳۸۶.
- بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، قم، قسم الدراسات الاسلامیه، موسسه البعثه، ۱۳۷۴.
- پورسیدآقایی، سید مسعود، زمینه سازی ظهور، نشریه مشرق موعود، ش ۱۰، ص ۱۹ - ۳۲، ۱۳۸۸.
- تقی زاده داوری، محمود، تمثیل های جامعه شناسانه در متون اسلامی، نشریه مطالعات قرآن و حدیث، س ۷، ش ۲، ۱۳۹۳.
- توسلی، غلامعباس، نظریه های جامعه شناسی، بی چا، تهران، نشر سمت، ۱۳۸۵.
- حائری پور، محمد مهدی، شاخص های فرهنگی جامعه زمینه ساز ظهور، چاپ اول، قم، مجموعه آثار ششمین همایش بین المللی دکتین، نشر مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۰.
- حرائی، حسن بن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، چاپ دوم، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
- حسینی، سید ابوالفضل و همکاران، تحلیل کیفی نظریه ها در فرایند تحقق بلوغ اجتماعی در عصر ظهور، نشریه اندیشه نوین دینی، ش ۵۰، ص ۲۱-۴۴، ۱۳۹۶.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ اول، بیروت، نشر دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
- حکیمی، محمد رضا، خورشید مغرب، چاپ بیست و پنجم، انتشارات دلیل، تهران، ۱۳۸۲.
- حلی، ابن فهد احمد، عده الداعی، بی چا، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۷ ق.
- خراسانی، زهرا، نقش دین در حفظ نظم و امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات نخستین همایش علمی کاربردی ارتقای امنیت اجتماعی، چاپ اول، گرگان، انتشارات پیک ریحان، ۱۳۸۶.
- دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه ابوطالب صارمی، چاپ اول، سازمان انتشارات آموزش و پرورش، تهران، ۱۳۶۸.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، مترجم: خسروی حسینی، غلامرضا، چاپ دوم، تهران، نشر مرتضوی، ۱۳۷۴.
- راین، آلن، فلسفه علوم اجتماعی، مترجم عبدالکریم سروش، بی چا، تهران، نشر انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.
- ساعی، احمد، توسعه در مکاتب متعارض، بی چا، تهران، نشر قومس، ۱۳۸۶.
- سهرابی مشتقین، فرامرز، مهدویت و فلسفه تاریخ، چاپ اول، قم، نشر موسسه آینده روشن، پژوهشکده مهدویت، ۱۳۸۹.
- شرف الدین، سید حسین، دین و نهادهای اجتماعی، نشریه معرفت فرهنگی اجتماعی، س ۲، ش ۱، ص ۲۳ - ۵۲، ۱۳۸۹.

- شریف‌الرضی، محمدبن‌حسین، **نهج البلاغه**، مترجم: عطایی، محمدرضا، بی‌جا، مشهد، نشر آستان قدس رضوی، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۴۱۷ق.
- شیخ‌حرعاملی، محمدبن‌حسن، **وسائل الشیعة**، چاپ اول، قم، نشر مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ق.
- شیخ‌صدوق، محمدبن‌بابویه‌قمی، **کمال‌الدین و تمام‌النعمه**، چاپ دوم، قم، دارالکتب‌الاسلامیه، ۱۳۹۵.
- صالح‌نیا، یحیی، **تنها بر فراز**، چاپ دوم، قم، نشر اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان، ۱۳۸۹.
- صالحی، غلامرضا، **مهدویت و اهداف نظام تربیتی اسلام**، نشریه مشرق موعود، ش ۳، ص ۱۴۹، ۱۳۸۶.
- صدر، سید محمد باقر، **سنت‌های تاریخ در قرآن**، مترجم: سید جمال موسوی اصفهانی، چاپ سوم، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۱.
- طباطبایی (علامه طباطبایی)، سیدمحمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، چاپ دوم، لبنان- بیروت، ناشر مؤسسه‌الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰.
- طبرسی، احمدبن‌علی، **الإحتجاج علی أهل اللجاج**، مترجم: غفاری‌مازندرانی، احمد، چاپ اول، تهران، نشر مرتضوی، ۱۴۰۳ق.
- طوسی، محمدبن‌حسن، **الغیبة للطوسی**، چاپ دوم، قم، نشر مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۷.
- عنایت، حمید، **ارسطو، سیاست**، بی‌جا، تهران، انتشارات حبیبی، ۱۳۵۸.
- عیاشی، محمد بن مسعود، **تفسیر العیاشی**، چاپ اول، تهران، نشر مکتبه‌العلمیة الاسلامیة، ۱۳۸۰ق.
- فقیهی، علی‌نقی و دیگران، **تحلیل جایگاه صفات و رفتارهای اخلاقی زمینه‌ساز ظهور در محتوای کتابهای درسی عمومی دانشگاهی ایران**، چاپ اول، تهران، مجموعه مقالات دهمین همایش بین‌المللی دکتربین مهدویت، نشر مؤسسه آینده روشن، پژوهشکده مهدویت، ۱۳۹۳.
- قطبی، ثریا، **نقش مدیریت جهادی در تحقق فرهنگ و تمدن اسلامی**، مجموعه مقالات یازدهمین همایش بین‌المللی دکتربین مهدویت، چاپ اول، قم، نشر مؤسسه آینده روشن، پژوهشکده مهدویت، ۱۳۹۴.
- قمی، حاج شیخ عباس، **مفاتیح الجنان**، بی‌جا، قم، نشر انتشارات أسوه، ۱۳۷۶.
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، **ینابیع الموده**، چاپ هشتم، قم، نشر مکتبه‌المحمدی، ۱۳۴۴.
- کبیری استانجین، محسن، **جایگاه بیعت در حکومت حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف**، چاپ اول، قم، مجموعه آثار چهارمین همایش بین‌المللی دکتربین مهدویت با رویکرد سیاسی و حقوقی، نشر مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی(ص)، ۱۳۸۸.
- کلینی، محمد بن یعقوب، **(الکافی) الأصول و الروضة**، شرح اصول کافی، مازندرانی، محمدصالح بن احمد، چاپ اول، تهران، نشر المکتبه‌الاسلامیة للنشر و التوزیع، ۱۳۸۲.
- مجتهدی سیستانی، سید مرتضی، **صحیفه مهدویه**، بی‌جا، قم، نشر الماس، ۱۳۸۸.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، چاپ دوم، بیروت، نشر دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- محمدی، سیدمحمدحسن و دیگران، **سبک زندگی زمینه‌ساز و زندگی غربی**، مجموعه مقالات دهمین همایش بین‌المللی دکتربین مهدویت، چاپ اول، قم، نشر مؤسسه آینده روشن، پژوهشکده مهدویت، ۱۳۹۳.

- مصباح یزدی، محمدتقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، بیجا، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸.
- ملایی، حسن، رویکرد کلامی، فصل الخطاب نزاع‌های تئوریک در مسائل زمینه سازی ظهور، نشریه مشرق موعود، ش ۱۵، ص ۱۴۰ - ۱۵۰، ۱۳۸۹.
- میرباقری، سیدمحمد مهدی، جایگاه ظهور در سیر تکاملی تاریخ، نشریه مکتبه و اندیشه، ش ۲۲، ص ۱۰۰ - ۱۳۸۴، ۷۳.
- نجفی، محمد و دیگران، مراتب انتظار و ارتباط آن با درجات حب ذات، چاپ اول، قم، نشر موسسه آینده روشن، پژوهشکده مهدویت، ۱۳۹۰.
- نظری، نصرالله، بررسی ارزش های فرهنگی جامعه زمینه ساز، مجموعه آثار ششمین همایش بین المللی دکترین مهدویت، چاپ اول، قم، نشر موسسه آینده روشن پژوهشکده مهدویت، ۱۳۹۰.
- نعمانی، محمدبن ابراهیم. الغیبه، المؤسسة المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۷.
- نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، بیروت، نشر مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۸ق.
- واسعی، سیدعلیرضا و همکاران، باورداشت آموزه مهدویت و نقش آن در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی، نشریه مشرق موعود، سال هشتم، ش ۲، ۱۳۹۳.
- ورمزیار، مصطفی، مهدویت از نگاه مفسران اهل سنت، چاپ اول، قم، نشر موسسه آینده روشن، پژوهشکده مهدویت، ۱۳۹۴.
- یاوری، مهدی و دیگران، رهیافتی به مقام مهدی شناسی، چاپ اول، قم، سلوک جوان، ۱۳۸۵.

COPYRIGHTS

© 2022 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: کرمی محسن، احتشامی علی حسین، حسینی سیدحمید، نقش بلوغ اجتماعی در زمینه سازی پیشاظهار از منظر قرآن کریم، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۳، شماره ۵۲، زمستان ۱۴۰۱، صفحات ۱۶۶-۱۴۵.